

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبه‌هنگ راد
۰۲ اگست ۲۰۲۰

جدالِ هفت تپه

جدالِ کارگران هفت تپه، به سر تیترا اعتراضات جامعه کارگری تبدیل شده است. نزدیک به پنجاه روزیست که کارگران هفت تپه در تداوم مطالبات شان در اعتصاب و اعتراض اند. مردم شوش هم در حمایت از کارگران به میدان آمده اند. شدت تشنج بین کارگران و صاحبان تولیدی، سازمان اطلاعات و امنیت مدافع سرمایه با کارگران بسیار بالاست. همه و از صاحبان تولیدی، کارفرمایان و دیگر دم و دستگاه های حکومتی - دولتی گرفته تا ارگان های سرکوب، در پی منکوبی جنبش های اعتراضی کارگری اند. در یک جمله کوتاه می شود گفت که اعتراض، اعتصاب و درگیری با حامیان رنگ و وارنگ سرمایه، به طریقه هرروزه طبقه کارگر و به ویژه کارگران هفت تپه تبدیل شده است. کاملاً آشکار شده است که نظام جمهوری اسلامی مولد وضعیت اسفبار و تعرض به حق و حقوق کارگران است. سردمداران ایران با اتخاذ سیاست های ضد کارگری، و با تعدی به امرار معاش میلیون ها توده محروم به میدان آمده اند و مجال زندگی بخور و نمیر را از کارگران سلب و به حلقوم صاحبان تولیدی و کارفرمایان ریخته اند. پول و سود سرمایه داران اضافه تر و در عوض جیب کارگران خالی و خالی تر شده است. پیداست که اوضاع کارگران هفت تپه، از تک نمونه های اعتراضی کارگران ایران نیست، بسا که بخش های متفاوت تولیدی - خدماتی و آن هم در دوره های متفاوت، نظام را به نبرد فراخوانده اند و گوشه هایی از صفحات و خواهی - مبارزاتی جامعه کارگری را به خود اختصاص داده اند.

یک موضوع محرز است که طبقه کارگر برای کسب حقوق پایمال شده اش پاپیش می گذارد و در مقابل نظام هم با نهادها و دیگر دم و دستگاه های کارگری متعلق به خود آنان را پس می زنند. در این بین یک - و یا در حقیقت چند - ایراد اساسی وجود دارد مبنی بر این که عدم پیشرفت اعتراضات و اعتصابات کارگری، ربط مستقیمی به فقدان ارتباط، پیوستگی و همبستگی بخش های متفاوت اعتراضی جامعه و نیز به فقدان نیرو و تجمع مدافع انقلاب دارد. به عبارت روشن تر طبقه کارگر نتوانسته است به طلب ابتدائی خود دست یابد، به این علت که فاقد سازمان و تشکل متناسب با میادین تولیدی است؛ نتوانسته است قوانین ضد کارگری را پس زند، به این علت که جامعه فاقد سازمان متناسب با قانونمندی های حاکم بر جامعه است؛ جامعه ای که بنابه ساختار اقتصادی - سیاسی، فرصت پیشروی های کارگری را محصور و موقعیت صاحبان تولیدی، کارفرمایان و نظام را محفوظ کرده است. واقعیت این است که نه تنها کارگران هفت تپه، بلکه تمامی بخش های متفاوت کارگری، از قدمت و از پیشینه طولانی اعتراضات و اعتصابات کارگری

برخورد دارند. از کارگران سندیکای اتوبوسرانی تهران که ۵۰۰ تن از آنان توسط ارگان‌های سرکوب نظام دستگیر شدند گرفته، تا ضرب و شتم و دستگیری پی در پی نمایندگان کارگران هفت تپه، نشانه موقعیت و جایگاه اعتراضی طبقه کارگر و همچنین مبین کارکرد نظام جمهوری اسلامی در برابر حقوق پایه‌ی کارگران، همچون مزد در ازای کار و اصلاح قانون کار طاقت فرساست.

حقیقتاً بیش از چهار دهه است که به دلیل دست درازی سرمایه داران، میادین تولیدی یک لحظه آرام نبوده است. تصویب قوانین ضد کارگری و بالا کشیدن حقوق‌های ناچیز کارگران و متعاقباً پیگرد، دستگیری و شکنجه آنان، به رفتار پیش پافشاری سران نظام جمهوری اسلامی تبدیل گشته است. نظام صدها نفر را دستگیر، شکنجه و از کار اخراج کرده است تا چرخه استثمار و سود سرمایه داران بردوام بماند. بر مبنای چنین وضعیت اسفباری است که سران حکومت جامعه ایران را به یکی از جوامع پُر التهاب سیاسی - اقتصادی تبدیل کرده اند. جان کارگر و دیگر توده‌های ستمدیده در اثر سیاست‌های استثمارگرانه و ظالمانه به سر رسیده است و اعتراضات و اعتصابات هم یکی پس از دیگری - و علی رغم تهدیدات گوناگون -، بر فضای جامعه غالب شده است. کارگران هفت تپه همچنان در اعتصاب و اعتراض اند و در همان حال مردم بهبهان خوزستان، شیراز و اورمیه به خیابان‌ها سرازیر شده اند. هم چنین سه و شش ماه است که پول کارگران «شهرداری کلاته» رودبار در استان سمنان و نیز کارگران «فضای سبز شهرداری» یاسوج را نداده اند و به همین دلیل کارگران در محوطه شهرداری دست به تجمع اعتراضی زدند؛ ده ها کارگر و مهماندار «شرکت راه آهن» را از کار بیکار کردند؛ کارگران «راه آهن» ناحیه لرستان هم نسبت به حقوق معوقه و بیمه دست به اعتراض زدند. و ...

بی شک این دست اعتراضات و تجمعات بیانگر تمامی مخالفت‌های کارگران نسبت به بی‌حقوقی و بی‌عدالتی‌ها نیست و فقط و فقط گوشه‌هایی هر چند ناچیز، از مصائب و مشکلاتی‌ست که کارگران در میادین تولیدی با آن‌ها روبرو می‌باشند. در هر صورت پایانی در جدال طبقه کارگر با نظام حاکم بر ایران نیست. جدال دو طبقه بالنده و میرنده است و بدین ترتیب زمانی کارگران هفت تپه به همراه دیگر کارگران ایران، به خواست‌های اولیه شان دست خواهند یافت که ریشه استثمارگران، ظالمان و دولت‌های حامی آنان سوزانده شود. اشاره بیشتر این که نه تنها عمر و روحیه اعتراضی کارگران تا وقتی سرمایه داران بر سر قدرت اند به سر نخواهد رسید، بلکه با عزمی والاتر و نیز با انگیزه ای رادیکال تر، تداوم خواهد داشت. بی تردید ضمانت این موضوع در حلقه نخست در پالایش شعارهای انحرافی در درون و در ثانی در اتحاد، حمایت و پشتیبانی عملی بخش‌های متفاوت کارگری، - و آن هم به طور همزمان - با کارگران هفت تپه است. به این سبب که جامعه کارگری تشنه یکانگی بخش‌های متفاوت تولیدی - خدماتی است. نظام جمهوری اسلامی تابه حال دست بالا را داشته است به این علت که بخش‌های مختلف کارگری ناهماهنگ و بی ارتباط، صاحبان تولیدی، کارفرمایان و دولت حامی شان را به مصاف طلبیده اند. این نه تنها از جمله ایرادات اساسی بلکه از زمره متدهای بازدارنده جنیش‌های اعتراضی کارگری به حساب می‌آید.

حقیقتاً نه تنها کارگران بلکه همه نسبت به وضعیت کنونی معترض اند. خشم، تنفر و جدال و علاوه بر این‌ها درزهای طبقاتی در درون جامعه بیشتر و بیشتر شده است. جیب میلیون‌ها نفر خالیست و با شکمی گرسنه شب را به صبح می‌رسانند و در عوض اندک محدودی از آحاد جامعه، در انبان شان پُر از پول و به دنبال، مشغول اسراف و حاتم بخشی اموال عمومی اند. معین است که این جامعه برارزنده منطبق با جامعه انسانی و به ویژه جامعه ای مطابق با خواست و آرمان کارگران و از جمله کارگران هفت تپه نیست. کارگران هفت تپه به همراه دیگر کارگران خواهان حقوق معوقه و مطالبات پایه‌ی شان از صاحبان تولیدی و دولت حامی آنند. مضافاً این که به تجربه دریافته اند که

دولت و دیگر دوائر حکومتی - دولتی پشتیبان کارخانه داران و کارفرمایان اند. طرح شعارهای مرگ بر سرمایه دار و مرگ بر روحانی از زمره نماد خشم و تنفر کارگران هفت تپه نسبت به مسببان اوضاع کنونی است. خلاصه آنقدر ابعاد جنایت و تنگدستی در جامعه ایران مبرهن و بالاست که دختر یکی از کارگران هفت تپه در وصف اوضاع و زندگی مشقت بار خود و دیگر کارگران هفت تپه و آن هم در پیامی به هم سن سال خودش می گوید:

"سلام به پدران هفت تپه. من می دانم که شما چقدر زحمت می کشید. شما خیلی برای بچه هایمان زحمت می کشید و برای بچه هایمان پول در می آورید که بچه هایمان خوشحال بشوند. آلاں چند وقت است که ما بچه ها، خوشحال نیستیم. بچه ها! وقتی که شما به پدرانمان می گویید که برای شما خوراکی بخرند، چون حقوق نگرفته اند و نمی توانند برای شما بخرند، آنها شرمند شما می شوند. پس ما باید پدران خود را درک کنیم".

در حقیقت پیام کوتاه کودک یکی از کارگران هفت تپه، نه به معنای سرانجام زندگی، بلکه بیان درد و رنج کودکانی است که باعث و بانی آن طبقه سرمایه داری وابسته حاکم بر جامعه ایران است؛ بیان درد و رنجی است که به مدت چهار دهه و آن هم در ابعادی بی سابقه و دهشتناک در زندگی میلیون ها کارگر و زحمتکش و فرزندان شان لانه کرده است. متأسفانه سختی و فشار زندگی به کارگر خلاصه نشده و بر ذهن و جسم کودکان شان هم چیره شده است. کودک نیاز به آرامش روحی و نیاز به دوری از مشکلاتی همچون نداری نان، آب و لوازم آموزشی دارد؛ نیاز به فراگیری تحصیل بدون دغدغه امکانات اولیه زندگی و آموزشی دارد. هیچ جامعه سالمی حامی و مدافع زندگی مشقت بار کودکان نیست. پس جامعه ایران به مانند دیگر جوامع سرمایه داری مستلزم تغییر شیفیت است و بی گمان این امر بدون آگاهی و شعور طبقاتی، و به خصوص بدون حضور هدایتگران کمونیست و آن هم پیشاپیش اعتراضات کارگری همچون هفت تپه ناممکن می باشد. چرا که عنصر آگاهی همواره یکی از وزنه های اساسی پیشرفت و نیز ضامن جنبش های توده ئی و به ویژه آرمان سیاسی - اقتصادی طبقه کارگر علیه سرمایه داران است.

دریغاً! دهه هاست که میادین تولیدی و از جمله هفت تپه در حلقه سرمایه داران گیر کرده است. و به طور یقین رهائی آن نه در جابه جایی این عنصر و یا آن عنصر، یا در تغییر مدیریت و این ارگان و یا آن نهاد وابسته به نظام جمهوری اسلامی، بالعکس در نابودی سیستم و چرخه مناسبات سرمایه داری در میادین تولیدی همچون هفت تپه است.

۱ اگست ۲۰۲۰

۱۱ مرداد [اسد] ۱۳۹۹